

---Name of Journal-----

Vol(issue), PP.

.atu.ac.ir

DOI:



Original Research / Review / ...

The prospect of China's Strategic Presence in Southwest Asia and its Impact on the National Security of the Islamic Republic of Iran

Abstract

The main concern of this research is the investigation of China's strategic presence in Southwest Asia in the horizon of 2033 and its effects on the national security of the Islamic Republic of Iran. the research method is mixed (quantitative-qualitative), the research strategy is explorative, its time horizon is medium-term (10 years) and data collection is also mixed (documentary-field). First, by document study and interviews, 67 driving forces of China's strategic presence in 8 parameters of PESTEL+DS (political, economic, social, technological, environmental, legal, defense and security) In addition to 7 global - regional trends were identified. Then, with questionnaire the effectiveness, importance and uncertainty of them was determined (according to the Lawshe coefficient, the validity of 55 driving forces - trends was confirmed and 19 driving forces - trends did not achieve the desired validity). in total, 22 driving forces - trends above the significance and uncertainty threshold values were selected. Then, with Friedman's test, 7 driving forces were selected, and their qualitative states were also extracted. Finally, 4 scenarios with zero inconsistency were drafted and edited with the questionnaire of cross influence matrix and scenario wizard software, and their effects on the national security of IRI were evaluated.

Received:

Accepted:

ISSN:

eISSN:

Keywords: China, Southwest Asia, Islamic Republic of Iran (IRI), National Security, Scenario

چشم انداز حضور راهبردی چین در جنوب غرب آسیا و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

چکیده

در پژوهش حاضر روش تحقیق آمیخته (کمی - کیفی)، راهبرد تحقیق اکتشافی، افق زمانی آن میان مدت (۱۰ ساله) و جمع آوری داده ها نیز آمیخته (اسنادی - میدانی) است. ابتدا با مطالعه اسنادی و همچنین مصاحبه، ۶۷ پیشران حضور راهبردی چین در ۸ مولفه PESTEL+DS (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناورانه، زیست محیطی، حقوقی، دفاعی و امنیتی) به علاوه ۷ روند جهانی - منطقه ای شناسایی شد. سپس با پرسشنامه (۳۵ نفر)، اثر گذاری، اهمیت و عدم قطعیت هر یک از پیشران ها مشخص شد (طبق ضریب لاوشه؛ روایی ۵۵ پیشران - روند تایید شده و ۱۹ پیشران - روند روایی مورد نظر را کسب نکردند). در مجموع، ۲۲ پیشران - روند اهمیت و عدم قطعیت بالاتر از ارزش آستانه را کسب کردند. با استفاده از آزمون فریدمن ۷ پیشران نهایی انتخاب و حالت های کیفی آنها استخراج شد. در نهایت ۴ سناریو با ناسازگاری صفر با پرسشنامه ماتریس تاثیر متقاطع و نرم افزار سناریو ویزارد ترسیم و تدوین شده و تاثیرات آنها بر امنیت ملی ج.ا.ا. مورد ارزیابی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: چین، جنوب غرب آسیا، جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی، سناریو

مقدمه

افزایش رقابت ژئوپلیتیک بین قدرت های بزرگ، تعدد فزاینده بحران های به هم پیوسته در سراسر جهان و کاهش مشارکت قدرت های غربی در درگیری های مختلف خارج از اروپا راه را برای بازگشت به چندقطبی هموار کرده است. به گفته رئیس جمهور چین، جهان امروز در حال گذار از تحولات عمیقی است که در قرن سابق دیده نشده است. ویژگی اصلی این نظم جهانی پساغربی، شبکه سیال و موقعیتی از روابط استراتژیک بین قدرت های جهانی و منطقه ای است که عمدتاً مبتنی بر ملاحظات عمل گرایانه و نه ایدئولوژیک است. چین برخلاف آمریکا روابط خوبی با همه کشورهای منطقه برقرار کرده است. جهان به عنوان کلی یکپارچه همواره شاهد ظهور و افول قدرت های بزرگ بوده و جنوب غرب آسیا به عنوان منطقه ای استراتژیک نیز به صورت مستمر رقابت قدرت های بزرگ را به خود دیده است. در تمامی دوره های تاریخی گذشته قدرت های بزرگ همواره نفوذ را ابزار معقولی در راستای کسب منافع بیشتر مد نظر قرار داده و در مسیر به دست آوردن جایگاه برتر در معادلات منطقه ای و جهانی اقدامات راهبردی را توشه راه ساخته اند. چین به عنوان قدرتی بزرگ در عرصه بین المللی، اقداماتی را برای حفظ، کسب و به حداکثر رساندن قدرت و منافع خود در پیش گرفته است. پس از گذشت چهار دهه افزایش قدرت (از اواخر دهه ۱۹۷۰)، چین به فراتر از منطقه شرق آسیا یا حتی قاره آسیا فکر می کند. با در نظر گرفتن این نکته که با افزایش قدرت یک کشور نقش و جایگاه آن نیز در عرصه مناسبات جهانی - منطقه ای افزایش می یابد، جمهوری خلق چین قدرتی نوظهور محسوب می شود که به تبع رشد مولفه های قدرت خود سعی دارد جایگاه خود در منطقه جنوب غرب آسیا را بهبود بخشد. ابعاد حضور این کشور در منطقه جنوب غرب آسیا از اقتصاد و تجارت صرف گذر کرده و به صورت تدریجی بر پیچیدگی آن افزوده می شود. با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک جنوب غرب آسیا و ایفای نقش پل ارتباطی میان آسیا، اروپا و آفریقا، این منطقه اهمیت درخور توجهی برای چین دارد. چین با ابزارهای خود در حوزه ها و ابعاد مختلف سعی دارد حضور راهبردی خود در جنوب غرب آسیا را در راستای منافع خود تثبیت و تقویت کند. به دلیل رقابت این کشور با ایالات متحده و همچنین اثرپذیری منافع و امنیت ملی ج.ا.ا از حضور چین در منطقه، بررسی ابعاد و سازوکارهای حضور این کشور و همچنین اثرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می تواند شناخت متولیان امر را جهت

رویاری با رویدادهای آتی افزایش داده و فرصت‌ها و تهدیدهای این حضور را آشکار سازد. به همین ترتیب دغدغه اصلی این پژوهش، تأثیرات حضور راهبردی چین در منطقه جنوب غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است.

پیشینه پژوهش

در رابطه با حضور و راهبرد چین به صورت کلی منابع و آثار بسیاری وجود دارد که بخشی از آنها به صورت مشخص بر منطقه جنوب غرب آسیا متمرکز هستند. این آثار با رویکردهای متفاوت هر کدام جنبه‌ای از سیاست، راهبرد، اهداف و الزامات حضور این کشور در منطقه را مورد مذاقه قرار داده‌اند. به عنوان مثال چوچو ژانگ و چاووی شیائو (۲۰۱۹) در مقاله «نقش جدید چین در منطقه خاورمیانه: مباحثه‌ای سیاسی»، معتقدند نقش چین در حال حاضر بسیار مبهم بوده و این امر حاکی از نگرانی چین نسبت به حفظ سیاست ریسک‌گریزی با هدف عدم تبدیل کشورهای خاورمیانه یا بازیگران بین‌المللی در منطقه، مانند ایالات متحده به یک نیروی متخاصم است.

مارتینا پانیژیلوا (۲۰۱۸) در مقاله «فعالیت‌های سیاست خارجی چین در خاورمیانه: ایجاد امنیت انرژی یا یک قدرت نوظهور مسئول؟»، انگیزه‌های سیاست خاورمیانه‌ای چین را توضیح می‌دهد و نشان می‌دهد که اگرچه چین حضور خود را در منطقه افزایش می‌دهد، اما هنوز آماده نیست به یک نیروی اصلی در شکل‌گیری سیاست‌های منطقه تبدیل شود. تیم نیبلاک (۲۰۲۰) در مقاله «چین و خاورمیانه: یک راهبرد جهانی که در آن خاورمیانه جایگاه قابل توجه اما محدودی دارد» معتقد است رابطه با کشورهای خاورمیانه برای چین بسیار قابل توجه، اما با این حال برای منافع بسیار مهم دولت چین ثانویه است.

جین لیانگشیانگ (۲۰۱۷) در مقاله «نقش چین در خاورمیانه: مباحث جاری و روندهای آتی»، معتقد است سهم چین در ثبات و امنیت منطقه بسیار زیاد است و نقش آن در خاورمیانه را می‌توان ترکیبی از یک شریک اقتصادی عمده، یک واسطه با حضور کم‌رنگ و یک تأمین‌کننده متوسط اما مهم کالاهای عمومی امنیتی توصیف کرد.

افشین مولوی (۲۰۲۰) در مقاله «ورود اژدها: نفوذ رو به رشد چین در خاورمیانه و شمال آفریقا»، معتقد است در سراسر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، چین در حوزه‌های راهبردی، تجاری و سیاسی حضور خود را پررنگ کرده است. وضعیت چین همچنان به‌عنوان خریدار

عمده نفت، گاز و پتروشیمی از منطقه ادامه خواهد یافت و به دنبال مشارکت برای تقویت امنیت طولانی مدت انرژی خود خواهد بود.

مقاله کریستینا لین (۲۰۱۳) تحت عنوان «تغییر راهبردی چین به سمت منطقه چهار دریا: پادشاهی میانه وارد خاورمیانه می شود» به این موضوع می پردازد که چگونه ردپای فزاینده پکن بر منافع ایالات متحده تأثیر می گذارد. وی معتقد است در حالی که حضور ایالات متحده در خاورمیانه شروع به کاهش می کند، چین بی سروصدا در حال بسط نفوذ خود است. ایان برمن (۲۰۱۹) در مقاله «چین در خاورمیانه؛ بازطراحی سیاست منطقه ای»، به بررسی نحوه تعامل چین با کشورهای منطقه مخصوصاً افزایش مشارکت در حوزه انرژی سه کشور عربستان، کویت و عمان می پردازد.

حسین سلیمی و لیلارحمتی پور (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی مقایسه‌ای استراتژی انرژی چین و ایالات متحده آمریکا و تأثیر آن بر جایگاه خلیج فارس» معتقدند ایالات متحده استراتژی خود را بر کاهش وابستگی به واردات انرژی معطوف ساخته است. چین نیز به واسطه رشد اقتصادی به نوبه خود به منابع انرژی خلیج فارس وابسته است، اما دو کشور راهبردی متفاوت را در پیش گرفته‌اند.

علیرضا سلطانی؛ مریم درخشنده لزرسانی و محمد ره گوی (۱۳۹۰) در مقاله «جایگاه انرژی در سیاست خاورمیانه ای چین» معتقدند هراس از قطع ناگهانی جریان نفت (کمیود شدید انرژی و افزایش قیمت ها)، یکی از محرک های راهبرد چین است. چین در رابطه با واردات نفت از مناطق بی ثبات مانند خاورمیانه، آسیای مرکزی و آفریقا آسیب پذیر است. با بررسی آثار موجود در حیطه موضوعی پژوهش حاضر می توان این گونه نتیجه گیری کرد که غالب آن ها به بررسی جوانب مختلف حضور چین در منطقه جنوب غرب آسیا اختصاص دارند. برخی از این آثار از نظر تاریخی قدیمی بوده و تحول راهبرد چین از سال ۲۰۱۳ یعنی به صورت مشخص از زمان ایجاد ابتکار کمربند و راه و بانک سرمایه گذاری زیرساختی آسیایی را مدنظر قرار نداده اند و برخی متغیرهای آنها نیاز به جرح و تعدیل دارد. با این حال در روشن کردن برخی ابعاد حضور راهبردی چین حائز اهمیت هستند. گرچه آثار جدیدتر در حوزه موضوعی پژوهش حاضر نیز هرکدام به نسبت های مختلف با این پژوهش همپوشانی متفاوت دارند، اما مهم ترین ویژگی متمایز کننده و نوآوری اثر حاضر گردآوری آن ها جهت بررسی تاثیر سناریوهای حضور راهبردی چین در رابطه با امنیت ملی جمهوری

اسلامی ایران است. به همین ترتیب می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که به دلیل در دست نداشتن چشم‌اندازی از حضور راهبردی چین در منطقه و همچنین اثرپذیری امنیت ملی ج.ا.ا. از این حضور راهبردی، پژوهش حاضر به دنبال به دست دادن شناخت و آگاهی از اثرگذاری این پدیده مهم بر امنیت ملی ج.ا.ا. است.

مبانی مفهومی

در رابطه با مبانی نظری در پژوهش‌های آینده پژوهی دو دیدگاه کلی وجود دارد؛ برخی از محققان این حوزه معتقدند استفاده از مبانی نظری در پژوهش آینده پژوهانه ممکن و گاهی نیز ضرورت دارد؛ در عین حال برخی دیگر بهره‌گیری از نظریات را ناممکن و تا حدود زیادی محدودیت‌زا می‌دانند. گروه نخست اینگونه استدلال می‌کنند که چون آینده مبتنی بر گذشته و حال است، استفاده از مبانی نظری امکان‌پذیر است (حاجیان، ۱۳۹۱: ۲۱۴). در مقابل گروه دوم معتقدند به دلیل ارتباط عمیق آینده پژوهی با تصور، رویکرد غیرخطی به تاریخ و امکان ارائه آینده‌های بدیل، این رشته قابلیت محدود شدن در چارچوب نظری را ندارد. گروه مذکور استدلال می‌کند استفاده از چارچوب نظری/ مفهومی در پژوهش آینده‌نگرانه غیرممکن است (موسوی‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۵۸-۱۵۶). به دلیل گستردگی حوزه موضوعی پژوهش حاضر یعنی بررسی تاثیر حضور راهبردی چین در جنوب غرب آسیا بر امنیت ملی ج.ا.ا. و شناسایی سناریوهای بدیل آن، محدود ساختن چارچوب پژوهش در نظریه، نمی‌تواند نتیجه مطلوبی را به همراه داشته باشد. در نتیجه در ادامه سعی می‌شود مبانی مفهومی آینده پژوهی (سناریونویسی) به عنوان روش مورد استفاده تشریح شود.

آینده پژوهی

آینده پژوهی مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب از جمله جهان بینی‌ها و اسطوره‌هایی است که زیربنای هر آینده است. در پنجاه سال اخیر، مطالعه آینده از پیش‌بینی آینده به ترسیم آینده‌های بدیل حرکت کرده است (Masini, 1993; Bell, 1996a; Sardar, 1999; Inayatullah, 2000; Saul, 2001). وندل بل آینده پژوهی را کشف یا ابداع، بررسی و ارزیابی و پیشنهاد آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب معرفی می‌کند

(Bell, 2003: 73). مایکل گوده آینده پژوهی را به عنوان شناخت حالت های ممکن و انتخاب از میان آنها به منظور هدایت کنش های موجود تعریف می کند (Godet, 2006: 27).

در حالی که بسیاری از مطالعات آینده در راستای کاهش ریسک و اجتناب از آینده های منفی (به ویژه در بدترین حالت) استقبال می کنند، برخی دیگر فعالانه به سمت ایجاد آینده های مطلوب و چشم اندازهای مثبت از آینده حرکت می کنند (Masini, 1983: 19). آینده پژوهی را می توان درختی دارای شاخه های متعدد در نظر گرفت که این شاخه ها همان احتمالات بدیل محسوب می شوند. آینده هنوز تا حدی باز است، زیرا ویژگی های آن به رویدادهای تصادفی و انتخاب های انسانی بستگی دارد. وظیفه آینده پژوه این است که این درخت و شاخه های آن را به طور کلی بررسی کند. شاخه های آن سناریوهای بدیلی را تعریف می کنند که ممکن است بخواهیم آنها را محقق کرده یا از آنها اجتناب کنیم. به طور خلاصه، آینده پژوهی سعی دارد آینده های ممکن بدیل را ترسیم و احتمال یا ترجیح / مطلوبیت آینده های بدیل را ارزیابی کند (Bell, 1997; Cornish, 1969).

آینده پژوهی دنبال این است که چه چیزی باعث تغییر می شود، به عبارت دیگر فرآیندهای پویا و زیربنایی تحولات تکنولوژیک از یک سو و تغییرات در نظم های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر چیست. آینده پژوهی همچنین از یک طرف به دنبال تعیین این موضوع است که چه تغییرات پیش بینی شده ممکن باید پذیرفته شود، زیرا آنها خارج از کنترل انسان هستند و از طرف دیگر چه چیزی می تواند تحت کنترل انسان قرار گیرد. آینده پژوهی به دنبال کشف پیامدهای پیش بینی نشده، ناخواسته و ناشناخته کنش اجتماعی نیز هست. بنابراین، آینده پژوهان تلاش می کنند اهداف و ارزش ها را روشن کنند، روندها را توصیف کنند، شرایط را توضیح دهند، تصاویر بدیلی از آینده تدوین کنند و جایگزین های سیاست را ابداع، ارزیابی و انتخاب کنند (Lasswell, 1967: 61 quoted from Bell, 1996b: 10).

سناریو نویسی

اصطلاح سناریو اغلب برای توصیف سیر آینده رویدادها در مورد یک پیشران واحد استفاده می شود. سناریو توسط بسیاری از نویسندگان توصیف یک موقعیت احتمالی آینده تعریف

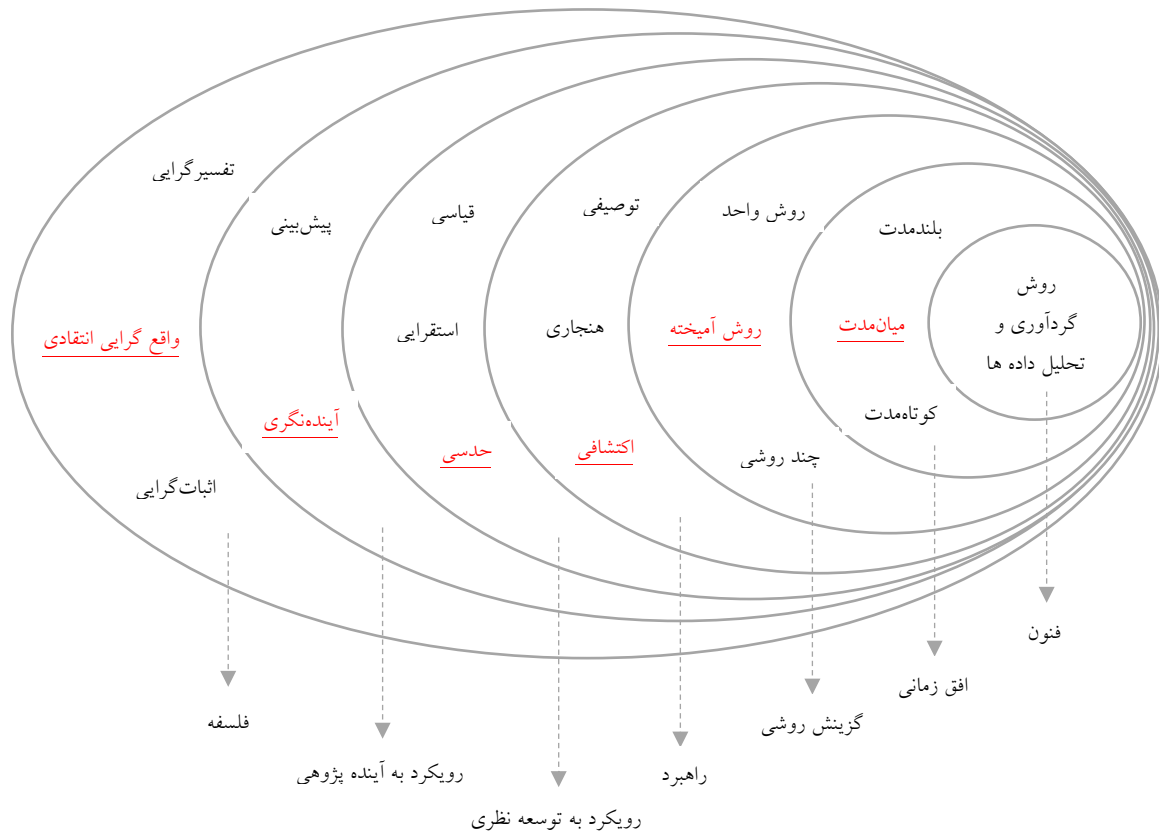
شده است (Greeuw et al., 2000: 7). هدف سناریوها ایجاد جهت گیری در مورد تحولات آینده از طریق مشاهده برخی عوامل کلیدی مرتبط است. در این فرآیند باید به سه نکته توجه کرد: نخست، سناریو تصویر جامعی از آینده نیست، بلکه کارکرد واقعی آن عبارت است از معطوف کردن توجه به یک یا چند بخش خاص و دارای وضوح مشخص واقعیت. [سناریوها] دنباله‌ای فرضی از رویدادها هستند که با هدف تمرکز بر فرآیندهای علی و نقاط تصمیم ساخته می‌شوند (Kahn & Wiener, 1967: 6). روش سناریو ابزاری عملیاتی برای تصمیم‌گیری در شرایط نامطمئن و پیچیده است. هدف سناریوها ایجاد گفتگو و افزایش درک تصمیم‌گیرندگان از فرصت‌های آینده و پویایی محیط است؛ در نتیجه سناریو تصویر دقیق‌تری از فردا نیست، بلکه تصمیمات بهتر امروز است (Schwartz, 1998: 272).

دوم، لازم به ذکر است که انتخاب و ترکیب عوامل کلیدی با توجه به افق زمانی آینده نیز یک سازه محسوب می‌شود. به این معنا که برخی عوامل و رویدادها عمداً مرتبط تلقی می‌شوند یا نادیده گرفته و سپس به بازی وارد می‌شوند و در چارچوبی از روابط متقابل با یکدیگر در پرتو مفروضات خاص قرار می‌گیرند. با این حال، آنها همچنین می‌توانند در هر زمان به روش دیگری بازسازی شوند. در این فرآیند، مفروضات مربوط به ارتباط عوامل برای دوره مورد مطالعه یا حتی نحوه تعامل آنها با یکدیگر کم و بیش توسط داده‌های موجود پیشنهاد می‌شود. با این حال، این مفروضات همچنین از یک سو مستلزم مجموعه‌ای از دانش مستدل، به ویژه دانش تجربی هستند و از سوی دیگر عمدتاً بر ارزیابی‌های ذهنی و بنابراین همیشه هنجاری مبتنی هستند. جدا از این واقعیت که سناریوها آینده را به عنوان یک کل نشان نمی‌دهند، آنها همچنین آینده را فی‌نفسه نشان نمی‌دهند، بلکه بیشتر به عنوان یک ساختار ممکن و آینده محور از برخی عوامل کلیدی به تصویر کشیده می‌شوند. به همین ترتیب، سوم، هر سناریو بر اساس فرضیاتی در مورد چگونگی آینده ممکن استوار است، به عبارت دیگر سوالات مربوط به این موضوع اینگونه مطرح می‌شوند: روندهای خاص ممکن است چه جهتی داشته باشند، چه تحولاتی ممکن است ثابت بماند و کدام یک ممکن است در طول زمان تغییر کند (UNEP, 2002: 320).

در این فرآیند، باید به این واقعیت توجه شود که سناریوها ادعایی نسبت به واقعیت ندارند و بنابراین دانش واقعی از آینده ارائه نمی‌کنند. بلکه آنها صرفاً بر اساس دانش به دست آمده

نام خانوادگی نویسنده اول و دوم (بیش از دو نویسنده نام خانوادگی نویسنده اول و همکاران | ۹

در حال و گذشته یک ساختار فرضی از آینده های ممکن ارائه می دهند (ساختاری که البته



شامل تحولات احتمالی، ممکن و مطلوب آینده است). با توجه به تفاوت در تعریف کلی، یک جنبه در سناریو برجسته است: تمایز بین سناریوها و پیش بینی ها. مفهوم سناریو اغلب در تضاد با مفهوم پیش بینی استفاده می شود. ماهیت سناریوها این است که پیش بینی ارائه نکنند، بلکه اساساً امکان چندین آینده بدیل را در نظر بگیرند (Steinmüller, 1997: 49).

شکل ۱. لایه های مدل پیاز پژوهش

منبع: ترسیم از نویسندگان برگرفته از (Melnikovas, 2018: 29-30)

روش شناسی

در حوزه روش شناسی پژوهش، نویسندگان مختلف مدل‌هایی را ارائه داده‌اند. یکی از مهم‌ترین مدل‌های انتخاب روش شناسی پژوهش در علوم اجتماعی و انسانی، مدل پیاز پژوهش است که ساندرز و همکاران آن را ارائه داده‌اند (Saunders et al., 2019: 130). در رابطه با پیاز پژوهش، الکساندر ملنیکوف در سال ۲۰۱۸، پیاز پژوهش ساندرز و همکاران را با حوزه آینده پژوهی تطبیق داده است (Melnikovas, 2018: 29-30). روش شناسی پژوهش حاضر طبق مدل پیاز پژوهش ملنیکوف تنظیم شده است.

لایه اول پژوهش

از منظر تاریخی، می‌توان دو موضع کلاسیک یا جریان اصلی یعنی اثبات‌گرایی و تفسیری و دو موضع نسبتاً جدید یعنی عمل‌گرایی و واقع‌گرایی انتقادی را در فلسفه پژوهش علمی متمایز کرد (Mingers, 2006; Molis, 2008; Saunders et al., 2019). واقع‌گرایی انتقادی، احتمال آینده‌های متفاوت را می‌پذیرد که حداقل تا حدی می‌توانند از زمان حال تاثیر پذیرند. بنابراین می‌توان از آن در راستای ساخت و تحلیل سناریو در حوزه‌هایی مانند نهادها، فرهنگ و سیاست استفاده کرد (Melnikovas, 2018: 37-38).

لایه دوم پژوهش

به صورت کلی محققان دو رویکرد مطالعه آینده را متمایز می‌کنند: ۱. پیش‌بینی کمی مبتنی بر عملیات ریاضی مانند برون‌یابی، مدل‌سازی اقتصادسنجی و غیره؛ ۲. آینده‌های بدیل به ایده آینده‌های متعدد اشاره دارد و مبتنی بر روش‌های آینده‌نگری است (List, 2005). آینده‌نگری مبتنی بر تکنیک‌های کیفی / آمیخته است و برای مطالعه یک دیدگاه پیچیده از آینده‌های چندگانه استفاده می‌شود (Kosow & Gasner, 2008).

لایه سوم پژوهش

سه رویکرد اصلی برای توسعه نظریه یعنی قیاسی^۱، استقرایی^۲ و حدسی (استنتاج از بهترین تبیین)^۳ وجود دارد (Saunders et al., 2019; Kuosa, 2011). اگرچه هر دو استنتاج قیاسی و استقرایی به طور گسترده در آینده پژوهی معاصر استفاده می شوند، کوسا به طور منطقی متوجه تغییر به سمت استدلال حدسی می شود (Kuosu, 2011: 331-333). استدلال حدسی شکلی از استنتاج است که با مشاهده علائم سرخ شروع می شود و این امر پایه مفهومی اساسی را برای تحقیقات بیشتر فراهم می کند. بنابراین، استنتاج حدسی بهترین حدس یا نتیجه بر اساس شواهد موجود با هدف شناسایی ساختارها، ارتباطات، زمینه ها و محدودیت ها است (Paavola et al., 2006: 145).

لایه چهارم پژوهش

سه راهبرد اصلی تحقیق را می توان در آینده پژوهی متمایز کرد: توصیفی^۴، هنجاری (تجویزی)^۵ و اکتشافی^۶ که هدف روش های اکتشافی مطالعه آینده های چندگانه و کاوش در تحولات احتمالی است (Kosow & Gasner, 2008; Puglisi, 2001). راهبرد توصیفی با رویکرد پیش بینی و استدلال قیاسی سنخیت بیشتری دارد، زیرا هدف اصلی آن توصیف دقیق رویدادهای آینده است. هدف راهبرد هنجاری بررسی آینده از نظر بایدها و نبایدها و همچنین جستجوی راه های دستیابی به آن است. هدف راهبرد اکتشافی مطالعه آینده های متعدد و اکتشاف تحولات احتمالی است (Melnikovas, 2018: 41).

لایه پنجم پژوهش

گزینش های روشی پژوهش در آینده پژوهی به روش های کمی مانند تحلیل سری های زمانی، تحلیل علی، تحلیل روند و غیره و همچنین کیفی نظیر نظرسنجی های دلفی، چرخ آینده، اسکن محیطی و غیره قابل تقسیم است (Saunders et al., 2019). در همین رابطه

¹ Deductive

² Inductive

³ Abductive

⁴ Descriptive

⁵ Normative (prescriptive)

⁶ Explorative

روش‌هایی وجود دارد که به عنوان ترکیب کمی و کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرند مانند سناریونویسی و مدل‌سازی (Saleh et al., 2008).

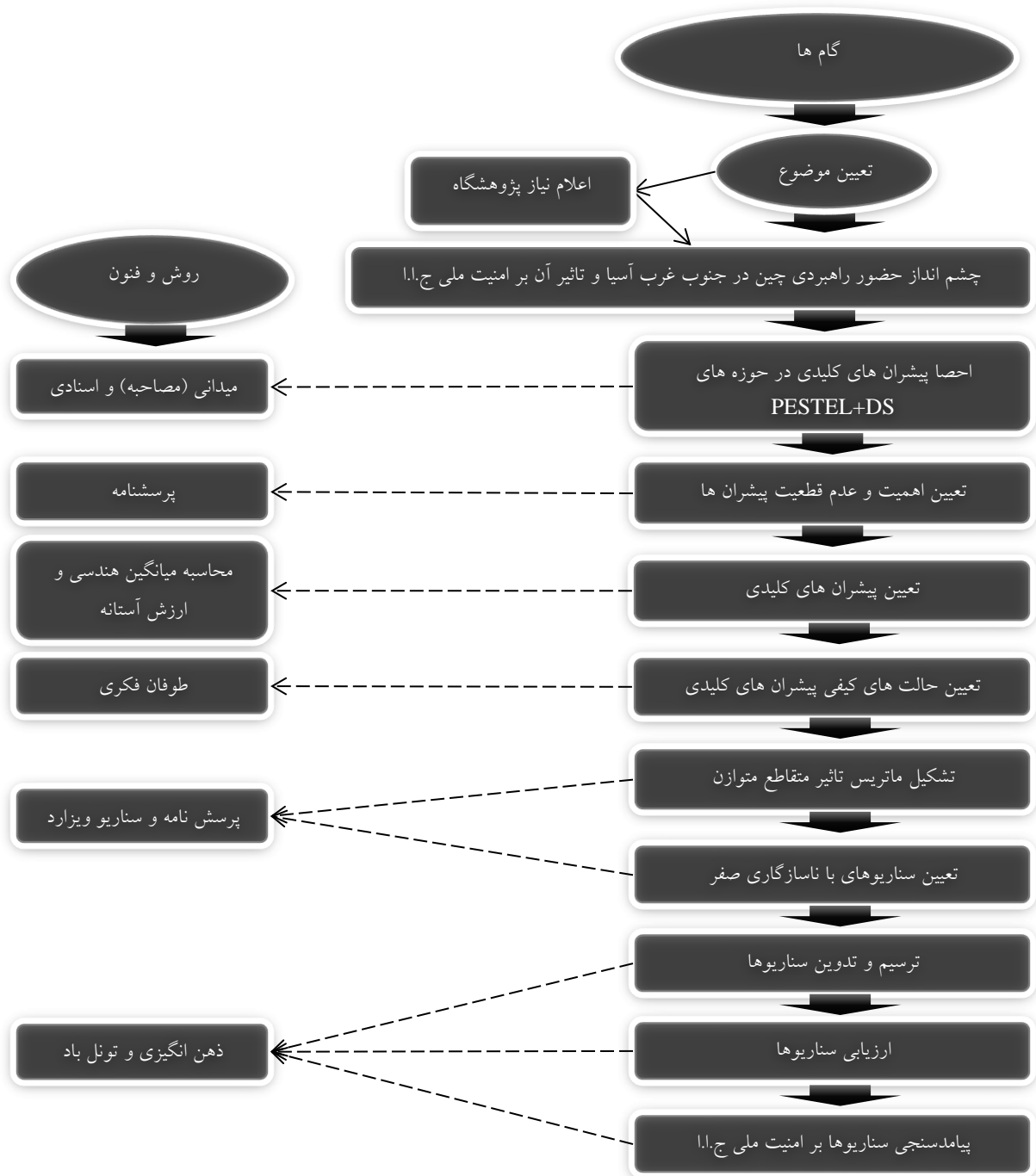
لایه ششم پژوهش

افق زمانی در آینده پژوهی معمولاً به بازه یا دوره‌های زمانی مورد مطالعه اشاره دارد. به عنوان مثال ماسینی برای افق زمانی کوتاه مدت ۰ تا ۵ سال، برای میان مدت ۵ تا ۱۰ یا حتی ۲۰ سال و برای بلندمدت ۲۰ تا ۵۰ سال را مطرح می‌کند (Masini, 1993: 150). در بررسی افق‌های زمانی دیوید بری، تعاریف افق زمانی ماسینی را به ۵ مورد افزایش می‌دهد. دو مورد از افق‌های زمانی اضافه‌شده وی عبارتند از آینده «قریب» از ۰ تا ۱ سال و آینده «دور» برای بیش از ۵۰ سال (Brier, 2005: 843).

لایه هفتم پژوهش

لایه نهایی یعنی فنون و رویه‌ها، طرح تحقیق را به سمت جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها سوق می‌دهد. همه انتخاب‌های قبلی، نوع روش‌های جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های پایه را تعیین می‌کنند. شناسایی پیشران‌های کلیدی حضور راهبردی چین در جنوب غرب آسیا با استفاده از ۱. مرور پیشینه یا ادبیات موجود (کتاب، مقالات، گزارش، تحلیل و ...) و ۲. میدانی (مصاحبه با کارشناسان منتخب از طریق روش گلوله برفی و توزیع پرسشنامه) انجام شده است. دسته‌بندی پیشران‌ها در ۸ مولفه PESTEL+DS (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناورانه، زیست محیطی، حقوقی، دفاعی و امنیتی) به علاوه روندهای جهانی - منطقه‌ای انجام شده است. پس از استخراج فهرست پیشران - روندها، پرسشنامه تهیه شده و روایی آن براساس ضریب نسبت روایی محتوایی (لاوشه) (Lawshe, 1975: 568) تایید شده است. براساس نظر خبرگان و کاربست روش تحلیل اهمیت - عملکرد مارتیلا و جیمز (Martilla & James, 1977) و همچنین آزمون فریدمن، پیشران‌هایی که دارای بیشترین اهمیت و ناطمینانی بودند به دست آمد و سپس حالت‌های کیفی آنها مشخص شده است. با تنظیم پرسشنامه ماتریس تاثیرات متقاطع، وزن دهی توسط خبرگان و وارد کردن نتایج پرسشنامه در نرم افزار سناریو ویزارد، سناریوهای با ناسازگاری صفر ترسیم و تدوین شده‌اند.

شکل ۲. گام ها و فنون گردآوری - تجزیه / تحلیل داده ها



یافته‌ها

شناسایی پیشران‌ها

به واسطه مصاحبه با ۱۳ خبره و همچنین مطالعه اسنادی، مجموعاً ۶۷ پیشران و ۷ روند احصا شد (لازم به ذکر است که در این گام تا اشباع نظری به بررسی پیشران‌ها اتمام شد). در این بخش جدول نتایج آماری پرسشنامه آورده شده است. با توجه به حجم زیاد سؤالات در جدول، در این بخش صرفاً به ارائه خلاصه نتایج شامل درصد فراوانی پاسخ «بله» به اثر گذاری گزاره، ضریب لاوشه، میانگین هندسی اهمیت و میانگین هندسی عدم قطعیت بسنده خواهیم کرد.

تهیه پرسشنامه

در این پژوهش، با رصد مولفه‌های حضور راهبردی چین در جنوب غرب آسیا (از طریق مطالعه و مرور اسناد و همچنین مصاحبه با چین‌شناسان)، ۷۴ پیشران - روند احصا شد. سپس پرسشنامه‌ای در سایت گوگل فرم طراحی شده و از چین‌شناسان خواسته شد آن را تکمیل کنند. پرسشنامه ۳ بخش کلی را شامل می‌شد: سوال اول این بود که آیا پیشران X بر امنیت ملی ج.ا.ا. تاثیر می‌گذارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، خبره به صورت خودکار به سوال دوم جهت تعیین میزان اهمیت و پس از آن میزان عدم قطعیت پیشران هدایت می‌شد.

تجزیه / تحلیل نتایج پرسشنامه

از مجموع ۷۴ پیشران - روند، ۵۵ مورد توانستند روایی لازم را از نظر ضریب لاوشه (۰/۳۱) به دست بیاورند که در جدول مشخص شده‌اند. پایایی پرسشنامه نیز با آلفای کرونباخ محاسبه شد. آلفای کرونباخ این پرسشنامه با محاسبه توسط نرم افزار اسپس^۱، ۰/۸۰۳ به دست آمد که در حد خوب ارزیابی می‌شود. آلفای بالاتر از ۰/۷۰ مورد قبول است. با استفاده از روش آ.ی.پی.ای، ارزش آستانه اهمیت پیشران‌های دارای روایی لازم (لاوشه) ۳/۵۷ و ارزش آستانه عدم قطعیت ۲/۶۹ به دست آمد که در جدول زیر قابل مشاهده هستند:

^۱ SPSS

جدول ۱. پیشران - روندهای دارای روایی لازم و نتایج تحلیلی آن ها

ردیف	کد موافقه	پیشران	درصد فراوانی پاسخ «بله» به اثرگذاری بر امنیت ملی ج.ا.ا	ضریب لاوشه	میانگین هندسی اهمیت	میانگین هندسی عدم قطعیت
		پیشران های سیاسی				
	P					
۱	P1	مسئولیت پذیری در منازعات منطقه ای	۱۰۰	۱	۳.۷۸	۳.۲۷
۲	P2	رویکرد چندجانبه گرایانه چین با محوریت شورای همکاری	۸۲.۸۶	۰.۶۶	۳.۵۸	۲.۲۲
۳	P3	بازیگری از طریق رژیم های چین محور	۸۵.۷۱	۰.۷۱	۳.۶۷	۲.۱۰
۴	P4	موازنه سازی بین محورهای رقیب منطقه	۹۴.۲۹	۰.۸۹	۳.۹۶	۳.۰۵
۵	P5	مخالفت با هژمونی / یکجانبه گرایی	۱۰۰	۱	۳.۷۰	۲.۲۷
۶	P6	بازیگری از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد	۱۰۰	۱	۳.۸۲	۳.۱۰
۷	P7	مدیریت منازعه بین ایران و غرب	۱۰۰	۱	۴.۳۳	۳.۳۵
۸	P8	سیاست عدم مداخله در امور داخلی کشورهای منطقه	۱۰۰	۱	۳.۷۳	۲.۳۱
۹	P9	کمک های بشردوستانه / امداد رسانی در بلایا	۷۱.۴۳	۰.۴۳	۳.۷۲	۱.۹۳
۱۰	P11	مخالفت با رویکرد مداخله جویانه غرب (ترویج دموکراسی و آزادی اطلاعات)	۸۰	۶۰	۳.۹۱	۱.۹۷
۱۱	P12	بازیگری از طریق نهادهای چین محور	۸۸.۵۷	۰.۷۷	۳.۸۰	۲.۲۱
۱۲	P13	رویکرد چین به ایالات متحده در منطقه	۱۰۰	۱	۴.۴۸	۳.۴۵
۱۳	P14	پیش برد مشارکت های راهبردی [جامع]	۱۰۰	۱	۴.۴۵	۳.۹۶
۱۴	P15	موضع نسبت به تحریم های بین المللی	۱۰۰	۱	۳.۷۶	۳.۴۷

۳۰۰۶	۳۰۹۳	۱	۱۰۰	سیاست ریسک پوشانی راهبردی چین در منطقه	P16	۱۵
پیشران های اقتصادی					EC	
۱۰۹۷	۴۰۳۶	۰۰۸۹	۹۴۰۲۹	تجارت کالا و خدمات	EC1	۱۶
۳۰۸۰	۴۰۴۲	۱	۱۰۰	سرمایه گذاری (انرژی، حمل و نقل، زنجیره تامین و ...)	EC2	۱۷
۳۰۶۹	۴۰۳۱	۱	۱۰۰	واردات انرژی (نفت و گاز)	EC3	۱۸
۲۰۰۴	۳۰۲۶	۰۰۳۷	۶۸۰۵۷	واردات منابع معدنی	EC4	۱۹
۱۰۹۱	۳۰۵۷	۰۰۳۱	۶۵۰۷۱	مناطق آزاد تجاری	EC5	۲۰
۳۰۴۲	۳۰۶۰	۰۰۸۹	۹۱۰۴۳	همکاری بانکی	EC7	۲۱
۳۰۲۸	۳۰۵۹	۰۰۷۷	۸۸۰۵۷	هماهنگی و ادغام پولی / مالی	EC8	۲۲
۲۰۷۹	۳۰۱۱	۰۰۴۹	۷۴۰۲۹	زیرساخت و ساخت و ساز	EC11	۲۳
۲۰۶۵	۳۰۳۵	۰۰۶۶	۸۲۰۸۶	پروژه و سرمایه گذاری مشترک	EC13	۲۴
۲۰۴۱	۲۰۹۳	۰۰۶۶	۸۲۰۸۶	ابتکار توسعه جهانی	EC14	۲۵
۳۰۵۹	۴۰۱۷	۰۰۸۹	۹۴۰۲۹	کریدورهای اقتصادی	EC15	۲۶
پیشران های اجتماعی					SO	
۱۰۹۰	۲۰۷۷	۰۰۳۱	۶۵۰۷۱	موسسات کنفوسیوس	SO1	۲۷
۱۰۸۳	۳۰۱۰	۰۰۳۷	۶۸۰۵۷	تبادلات علمی و دانشگاهی	SO3	۲۸
پیشران های فناورانه					T	
۲۰۸۸	۳۰۲۲	۰۰۳۱	۶۵۰۷۱	هوش مصنوعی	T1	۲۹
۲۰۶۷	۳۰۰۹	۰۰۸۹	۹۴۰۲۹	هوا فضا (مکان یابی، پرتاب ماهواره و ...)	T2	۳۰
۲۰۶۹	۲۰۹۷	۰۰۴۹	۷۴۰۲۹	اینترنت نسل ۵ و ۶	T3	۳۱
۲۰۶۱	۳۰۲۱	۰۰۶۶	۸۲۰۸۶	اقتصاد و تجارت دیجیتال	T4	۳۲
۲۰۹۵	۳۰۰۵	۰۰۷۱	۸۵۰۷۱	راه ابریشم دیجیتال	T5	۳۳
۱۰۸۸	۲۰۹۰	۰۰۵۴	۷۷۰۱۴	انرژی هسته ای	T6	۳۴
۲۰۰۸	۳۰۰۴	۰۰۴۳	۷۱۰۴۳	آب (تصفیه آب، آب شیرین کن، ذخیره آب و ...)	T7	۳۵
پیشران های زیست محیطی					EN	
۲۰۲۷	۳۰۸۱	۰۰۷۱	۸۵۰۷۱	صید ترال	EN1	۳۶

نام خانوادگی نویسنده اول و دوم (بیش از دو نویسنده نام خانوادگی نویسنده اول و همکاران | ۱۷

پیشران های حقوقی				L	
۲.۲۴	۳.۸۸	۰.۸۹	۹۴.۲۹	L1	۳۷
۳.۱۷	۳.۶۱	۰.۷۱	۸۵.۷۱	L2	۳۸
۲.۵۴	۳.۴۰	۰.۶۶	۸۲.۸۶	L3	۳۹
۲.۲۰	۳.۶۸	۰.۷۷	۸۸.۵۷	L4	۴۰
پیشران های دفاعی				D	
۲.۱۵	۳.۷۷	۰.۷۷	۸۸.۵۷	D1	۴۱
۳.۲۲	۳.۵۸	۱	۱۰۰	D4	۴۲
۳.۶۳	۳.۳۱	۰.۷۷	۸۸.۵۷	D5	۴۳
۳.۵۹	۴.۲۶	۱	۱۰۰	D6	۴۴
۲.۱۰	۳.۳۷	۰.۷۷	۸۸.۵۷	D7	۴۵
۳.۴۵	۳.۶۰	۱	۱۰۰	D8	۴۶
پیشران های امنیتی				SE	
۲.۹۳	۳.۸۴	۱	۱۰۰	SE1	۴۷
۳.۰۶	۲.۸۹	۰.۴۳	۷۱.۴۳	SE2	۴۸
۳.۴۰	۳.۵۷	۰.۷۱	۸۵.۷۱	SE5	۴۹
۲.۳۲	۳.۱۰	۰.۶۶	۸۲.۸۶	SE6	۵۰
روندهای جهانی - منطقه ای				MT	
۳.۲۳	۳.۷۱	۱	۱۰۰	MT1	۵۱
۳.۳۷	۳.۷۰	۱	۱۰۰	MT2	۵۲
۲.۱۰	۲.۸۳	۱	۱۰۰	MT3	۵۳
۳.۲۳	۳.۳۲	۶۰	۸۰	MT4	۵۴
۲.۷۳	۳.۶۹	۰.۸۹	۹۴.۲۹	MT7	۵۵
۲.۶۹	۳.۵۷	ارزش آستانه پیشران های بالاتر از ضریب لاوشه			

انتخاب پیشران های کلیدی

در این گام از بین ۲۲ پیشران حضور چین در منطقه، پیشران های کلیدی برای سناریونویسی انتخاب شد. مهم ترین نکته قابل ذکر در گام پیش رو این است که اگر ۲۲ پیشران را انتخاب کنیم و برای هر کدام از پیشران ها ۳ حالت قابل تصور باشد، تعداد سناریوهای ممکن ۳ به توان ۲۲ (۳^{۲۲}) خواهد بود. این عدد از نظر عملیاتی یعنی سناریونویسی غیرقابل اجرا است. برای حل موضوع ذکر شده، رتبه بندی پیشران های کلیدی و انتخاب نقطه برش، روشی معقول محسوب می شود که در اجرای آن، آزمون غیر پارامتریک فریدمن (جهت تطبیق میانگین رتبه ها) به کار گرفته شد. جهت کسب نتیجه مطلوب، سطح معنی داری آماری این آزمون باید کمتر از ۰/۰۵ به دست آید. به همین ترتیب در این مرحله جدول میانگین وزنی متشکل از اهمیت و عدم قطعیت ۲۲ پیشران محاسبه شد. در گام بعد میانگین وزنی پیشران ها وارد نرم افزار اس پی اس شده و آزمون فریدمن انجام شد. سطح معناداری آزمون برابر با ۰/۰۱۷ و کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد. این موضوع بدین معنی است که میان پیشران های آزمون اختلاف معناداری وجود دارد و آنها می توانند رتبه بندی شوند. نتایج کسب شده از طریق آزمون فریدمن در جدول ۳ آورده شده است:

جدول ۲. پیشران های کلیدی حضور راهبردی چین در منطقه جنوب غرب آسیا

رتبه	کد	پیشران	نمره آزمون فریدمن
۱	P13	رویکرد چین به ایالات متحده در منطقه	۱۷.۰۴
۲	P14	پیشبرد مشارکت های راهبردی (جامع)	۱۶.۷۵
۳	EC2	سرمایه گذاری (انرژی، حمل و نقل، زنجیره تامین و ...)	۱۶.۳۲
۴	EC3	واردات انرژی (نفت و گاز)	۱۶.۲۵
۵	D6	انتقال تسلیحات (دانش فنی و فروش)	۱۵.۵۴
۶	EC15	کریدورهای اقتصادی	۱۴.۳۹
۷	P7	مدیریت منازعه بین ایران و غرب	۱۴.۲۱

پس از رتبه بندی پیشران ها بر اساس آزمون فریدمن، باید نقطه برش مشخص شده و پیشران های بالاتر از نقطه مذکور برای استخراج حالت های کیفی انتخاب شوند. در این پژوهش

عدد ۱۴ به عنوان نقطه برش مشخص شده و پیشران هایی که نمره آزمون فریدمن آنها بیشتر از ۱۴ است، در سناریونویسی مورد استفاده قرار گرفتند. علت این است که با توجه به نمرات آزمون، اگر عدد نقطه برش عدد ۱۴ باشد و حالت های کیفی برای ۶ پیشران را ۳ حالت و ۱ پیشران را ۲ حالت در نظر بگیریم، $۲ * ۳^۶$ (۳ به توان ۶ ضرب در ۲) یعنی ۱۴۵۸ سناریوی ممکن خواهیم داشت. اگر عدد ۱۲ را به عنوان نقطه برش در نظر بگیریم (۳ پیشران به ۷ پیشران انتخاب شده افزوده می شود)، در این حالت به دلیل بالا رفتن حالت ها، تعداد سناریوها افزایش شدیدی خواهند یافت و غیرقابل انجام خواهد شد (۳ به توان ۱۰ حالت یعنی بیش از ۵۹ هزار سناریوی ممکن!). این موضوع در رابطه با تحلیل تاثیر متقاطع متوازن نیز غیرعملیاتی است، زیرا تکمیل ماتریسی با ۹۰۰ سلول پیچیدگی بسیار بالایی داشته، از حوصله خبرگان خارج بوده و منجر به عدم همکاری خواهد شد. بنابراین ۷ پیشران اول با نمره آزمون فریدمن بالای ۱۴ به عنوان پیشران های کلیدی حضور راهبردی چین در منطقه انتخاب شده و مهم ترین پیشران اثرگذار بر حضور چین در منطقه نیز به آنها افزوده شد.

تعیین حالت های کیفی پیشران های کلیدی

پس از تعیین پیشران های کلیدی حضور راهبردی چین در منطقه جنوب غرب آسیا، در گام بعد حالت های کیفی پیشران ها به وسیله طوفان فکری و ذهن انگیزی استخراج شدند. حالت کیفی بدین معنی است که چه وضعیت هایی در آینده برای هر یک از پیشران های ذکر شده، قابل تصور بوده یا امکان وقوع دارد؟ همچنین هر حالتی برای ایران چه وضعیتی از میان حالت های سه گانه (مطلوب، میانه و نامطلوب) دارد؟

جدول ۳. حالت های کیفی پیشران های کلیدی

ردیف	پیشران کلیدی	حالت های کیفی		
۱	سرمایه گذاری	افزایش سرمایه گذاری در همه کشورهای منطقه (میانه)	افزایش سرمایه گذاری در همه کشورهای منطقه (میانه)	افزایش سرمایه گذاری در سایر کشورها (نامطلوب)
۲	رویکرد چین به ایالات متحده در منطقه	تعارض با ایالات متحده (مطلوب)	رقابت توأم با همکاری با ایالات متحده (میانه)	همکاری با ایالات متحده (نامطلوب)

۳	واردات انرژی	نقش برجسته ایران در واردات انرژی (مطلوب)	نقش مکمل کلیه کشورها در واردات انرژی (میان‌ه)	نقش برجسته سایرین در واردات انرژی (نامطلوب)
۴	مشارکت راهبردی (جامع)	پیشبرد مشارکت راهبردی با ایران (مطلوب)	پیشبرد مشارکت راهبردی با تمام کشورها (میان‌ه)	پیشبرد مشارکت راهبردی با سایر کشورها (نامطلوب)
۵	مدیریت منازعه بین ایران و غرب	کاهش تنش (مطلوب)	افزایش تنش (نامطلوب)	
۶	انتقال تسلیحات	انتقال تسلیحات به ایران (مطلوب)	انتقال تسلیحات به منطقه (میان‌ه)	انتقال تسلیحات به سایر کشورها (نامطلوب)
۷	کریدورهای اقتصادی	کریدورهای اقتصادی با محوریت ایران (مطلوب)	نقش نسبتاً متوازن اکثر کشورها در کریدورهای اقتصادی (میان‌ه)	محوریت سایرین در کریدورهای اقتصادی (نامطلوب)

ماتریس تاثیر متقاطع متوازن

در گام قبل، حالت کیفی پیشران‌های کلیدی و به صورت کلی ۲۰ حالت استخراج و پرسشنامه ماتریس تاثیر متقاطع متوازن پیشران‌ها در چارچوب نرم افزار سناریو ویزارد در قالب ۲۰ در ۲۰ تهیه شد. این پرسشنامه جهت اخذ نظر خبرگان، در اختیار ۱۰ خبره حوزه چین قرار گرفت و از آنها خواسته شد اثرگذاری و اثرپذیری حالت‌ها را با اعداد +۳ تا -۳ مشخص کنند. پس از دریافت پرسشنامه‌ها، میانگین امتیاز متخصصان وارد نرم افزار سناریو ویزارد شده و خروجی نرم افزار (با انجام تحلیل تاثیر متقاطع متوازن) در قالب چهار سناریوی با ناسازگاری صفر به دست آمد. این سناریوها حاکی از انسجام درونی بالا بوده و به همین ترتیب سناریوهای با ناسازگاری ۱ و بیشتر از آن کنار گذاشته شدند.

سناریوهای چشم انداز حضور راهبردی چین در منطقه جنوب غرب آسیا در

پس از وارد کردن میانگین امتیازات پرسشنامه در نرم افزار سناریو و یزارد، خروجی نرم افزار در قالب سناریوهای حضور راهبردی چین در جنوب غرب آسیا در افق ۱۴۱۲ ترسیم، تدوین و پربار شد. اولویت انتخاب و تدوین سناریو، سناریوهای با ناسازگاری صفر (۴ سناریو) هستند. تابلوی سناریوها در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۴. تابلو سناریوها

سناریو پیشران	اژدهای خیزان	رویای اژدها	اژدهای محتاط	اژدها در بند
سرمایه گذاری	افزایش سرمایه گذاری در ایران	افزایش سرمایه گذاری در تمام کشورها	افزایش سرمایه گذاری در سایر کشورها	افزایش سرمایه گذاری در سایر کشورها
رویکرد چین به ایالات متحده در منطقه	تعارض با ایالات متحده	رقابت با ایالات متحده	رقابت با ایالات متحده	همکاری با ایالات متحده
واردات انرژی	نقش برجسته ایران در واردات انرژی	نقش مکمل کلیه کشورها در واردات انرژی	نقش مکمل کلیه کشورها در واردات انرژی	نقش برجسته سایرین در واردات انرژی
پیشبرد مشارکت راهبردی	پیشبرد مشارکت راهبردی با ایران	پیشبرد مشارکت راهبردی با تمام کشورها	پیشبرد مشارکت راهبردی با سایر کشورها	پیشبرد مشارکت راهبردی با سایر کشورها
مدیریت منازعه بین ایران و غرب	کاهش تنش	کاهش تنش	افزایش تنش	افزایش تنش
انتقال تسلیحات	انتقال تسلیحات به ایران	انتقال تسلیحات به کل منطقه	انتقال تسلیحات به سایر کشورها	انتقال تسلیحات به سایر کشورها

محوریت سایرین در کریدورهای اقتصادی	محوریت سایرین در کریدورهای اقتصادی	نقش نسبتاً متوازن تمام کشورها در کریدورهای اقتصادی	کریدورهای اقتصادی با محوریت ایران	کریدورهای اقتصادی
------------------------------------------	------------------------------------------	----------------------------------------------------------	-----------------------------------------	----------------------

سناریوی ۱: اژدهای خیزان

در این سناریو، به دلیل ماریپچی از اقدامات دوطرفه بین چین و ایالات متحده، روابط آنها به سمت تنش پیش خواهد رفت. چین به دلیل اعتماد به نفس ایجاد شده (کاهش فزاینده شکاف قدرت بین چین و آمریکا) و همچنین اقدامات تهاجمی ایالات متحده نسبت به خود نظیر برقراری روابط نظامی و امنیتی و افزایش حضور و انجام دادن تحرکات نظامی در آسیا به سمت در پیش گرفتن رویکرد تهاجمی سوق خواهد یافت. در این سناریو ایالات متحده تنش‌های منطقه را مدیریت و به تبع آن حضور خود را در منطقه کم‌رنگ تر کرده و سیاست خارجی خود را به سمت آسیا - پاسیفیک متمرکز تر خواهد کرد. همچنین تنش‌های ایران و غرب به عنوان سدی برای افزایش همکاری چین - ایران به صورت محسوس فروکش خواهد کرد. بنابراین ایران و آمریکا مسائل خود را تا حدود زیادی حل و فصل خواهند کرد. در این راستا مشارکت راهبردی جامع و به عبارت دقیق‌تر برنامه ۲۵ ساله ایران - چین به عنوان محور اصلی روابط دوجانبه مبنای همکاری در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی قرار خواهد گرفت. روابط دول عربی جنوب خلیج فارس با ایالات متحده، نگرانی چین در رابطه با احتمال اختلال در جریان انرژی توسط آمریکا را تقویت خواهد کرد. نگرانی ذکر شده انگاره مستقل بودن بازیگر ایران در حوزه انرژی در منطقه را افزایش داده و در همین رابطه چین به دلیل ظرفیت‌های بالقوه‌ای که ایران دارد، نقش آن را در واردات انرژی و سرمایه‌گذاری مخصوصاً از طریق خط لوله ایران - پاکستان افزایش خواهد داد. در این وضعیت چین استفاده از یوان را به عنوان یکی از ارزش‌های ذخیره و همچنین منبع پرداخت تجارت با طرفین افزایش خواهد داد. در این سناریو نه تنها شرکت‌های خصوصی (شرکت‌های کوچک و متوسط چینی) چین، انرژی ایران خریداری می‌کنند، بلکه شرکت‌های دولتی آن در حوزه انرژی و حمل و نقل ایران به دلیل وجود فرصت‌های بالقوه سرمایه‌گذاری می‌کنند. این امر وزن راهبردی ایران در انتقال انرژی به چین را تقویت کرده و فشار و خطرات واردات نفت و گاز از راه دریا را که به شدت به تنگه مالاکا وابسته است کاهش خواهد داد.

در این سناریو همچنین همکاری ایران و چین در حوزه انتقال تسلیحات رشد و توسعه خواهد یافت و ایران در حوزه های نظامی میزبان انتقال تسلیحات چینی به صورت دانش فنی و سلاح خواهد بود. این کشور فناوری هایی نظیر دانش بهبود موشک های بالستیک، فناوری های حساس فلزات الیاف و مواد کامپوزیت، جنگنده های چنگدو و همچنین فناوری های پدافندی، ناوچه ها، زیردریایی ها، موشک های ضد کشتی و تانک ها را برای ایران تامین خواهد کرد.

این سناریو از نظر اثرگذاری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، بهترین وضعیت برای حضور راهبردی چین در منطقه جنوب غرب آسیا خواهد بود و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بدین شرح هستند:

- بهبود و تقویت توان اقتصادی و قدرت مانور ایران در حوزه داخلی و خارجی
- تقویت بازدارندگی نظامی - امنیتی ایران در مقابل محورهای رقیب منطقه ای
- بالا بردن اهمیت استراتژیک ایران به دلیل ایفای نقش ترانزیتی
- ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی - راهبردی با چین و در نتیجه به همراه آوردن حمایت سیاسی
- همسویی گفتمانی بین چین و ایران به عنوان کشورهای تجدیدنظر طلب در عرصه بین الملل و منطقه ای
- بهبود تصویر و وجهه ایران مخصوصا در عرصه منطقه ای
- بالا رفتن ضریب امنیت سایبری - شناختی در جنگ ترکیبی غرب علیه ایران
- همسویی جهت مقابله با هژمونی منطقه ای ایالات متحده
- سرریز شدن همکاری های اقتصادی و فنی به حوزه های نظامی و امنیتی (مبارزه با تروریسم و ...)

- بالا بردن وزن استراتژیک ایران مخصوصاً تصمیمات تعیین کننده چین
- قرار گرفتن ایران در محور چین و تهدیدات احتمالی آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی از جانب غرب

سناریوی ۲: رویای اژدها

در این سناریو چین به دنبال ایجاد تعادل و کنترل نفوذ آمریکا (به جای قدرت آن) در جنوب غرب آسیا بدون درگیر شدن در اقدامات نظامی یا استقرار جدی نیروها در منطقه است. این سیاست با تشدید رقابت چین با آمریکا تقویت خواهد شد. در این راستا، پکن از یک سو، روابط خود را با کشورهای منطقه که متحد آمریکا نیستند، مانند ایران (از طریق همکاری با غرب در حوزه ثبات استراتژیک و کاهش تحریم‌ها) تقویت خواهد کرد، از سوی دیگر، پکن از خलाهای ایجاد شده به دلیل کاهش دخالت ایالات متحده در جنوب غرب آسیا استفاده کرده و شکاف بین واشنگتن و شرکای منطقه ای را افزایش خواهد داد. چین شبکه متحدان و شرکای آمریکا را یک تهدید دانسته و بنابراین از هر فرصتی برای تضعیف روابط آنها استفاده خواهد کرد. چین ضمن بهره‌برداری از نقش ایران به عنوان ابزاری برای تضمین توازن قدرت، همزمان از برانگیختن حساسیت ایالات متحده در منطقه اجتناب خواهد کرد.

در این سناریو نه تنها چین توانسته است بین کشورهای منطقه تنش زدایی کند، بلکه با کاهش قابل ملاحظه تحریم‌های بین‌المللی به دلیل مدیریت تنش‌های ج.ا.ا با غرب، مشارکت‌های راهبردی جامعی را که با کشورهای منطقه مخصوصاً ایران، عربستان سعودی، امارات، ترکیه و حتی رژیم صهیونیستی به طور همزمان ایجاد کرده، در سطوح متفاوت پیش خواهد برد. چین با طرف عربی خلیج فارس سرمایه‌گذاری در قالب ابتکاراتی مانند اتصال پارک صنعتی-بندر و رویکرد دو چرخ و دو بال را به صورت فزاینده اجرایی خواهد کرد. عربستان سعودی، عمان و امارات برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مختلف کریدور اقتصادی چین-پاکستان اقداماتی را انجام داده و وابستگی متقابل را شکل داده و تقویت خواهند کرد و کریدور شرق-غرب نیز رونق خواهد گرفت. چین سرمایه‌گذاری در نقاط استراتژیک

مخصوصاً کشورهای دارای دسترسی به دریای آزاد را در قالب توسعه و نگهداری تاسیسات بندری در منطقه مانند بندر عباس و چابهار در ایران، بندر دقم در عمان، بندر خلیفه در ابوظبی، بندر طرطوس و لاذقیه در سوریه و بنادر اشدود و حیفا در اسرائیل نیز نقش فزاینده ای ایفا خواهد کرد. همچنین چین نه تنها از خطوط لوله نفت و گاز مانند حبشان-فجیره (امارات - عمان)، استفاده می کند، بلکه نقش ایران نیز در واردات انرژی از طریق خطوط لوله مانند خط لوله صلح از پاکستان تقویت خواهد شد. کریدور چین - آسیای مرکزی - غرب آسیا نیز از نظر حوزه منطقه ای کشورهای مختلف را به یکدیگر پیوند خواهد داد. همچنین به دلیل اینکه مصرف انرژی چین به صورت فزاینده افزایش خواهد یافت، این کشور متوجه خواهد شد گاز ترکمنستان (خط لوله ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هند تحت عنوان تاپی) و آذربایجان (خط لوله ترانس خزر) نیاز آنها را تامین نخواهد کرد، نه تنها به سمت واردات انرژی از خطوط لوله انتقال نفت و گاز (نظیر خط لوله صلح بین ایران و پاکستان) متمایل خواهد شد، بلکه برای واردات انرژی دریای خزر بر کریدورهای زمینی ترکیه - ایران - پاکستان - چین و همچنین جنوب غرب آسیا - ایران - پاکستان - چین متمرکز خواهند شد. پروژه خط لوله نفت گوره - جاسک نیز نقش مهمی در انتقال نفت ایفا خواهد کرد. کریدور ترانزیتی پاکستان - ایران - ترکیه نیز فعال تر شده و کالاها را از مسیر چین به اروپا و بالعکس منتقل خواهد کرد. چین همچنین بخش گاز طبیعی ایران شامل میدان گازی پارس شمالی، آزادگان و یادآوران را به عنوان بزرگترین میدان های گازی توسعه خواهد داد و پالایشگاه های نفت آبادان و دیگر پالایشگاه های ایران را نوسازی و مدرنیزه خواهد کرد. این ابتکارات به چین کمک خواهد کرد تا زنجیره های تامین و خوشه های تجاری در خلیج فارس و دریای مدیترانه را به آب های بین المللی متصل کند، به گونه ای که بتواند منافع تجاری آن را تضمین کند. در این سناریو چین نه تنها به کشورهای منطقه در توسعه موشک های بالستیک، فروش و تولید پهپاد کمک می کند، بلکه تسلیحات مختلف از جمله جنگنده های نسل ۵، انواع موشک بالستیک، پهپاد و بالگرد، کشتی و غیره را جهت نزدیکی و نفوذ در کشورهای منطقه برای آنها فراهم خواهد کرد.

این سناریو از نظر اثرگذاری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، وضعیتی نسبتاً مطلوب برای حضور راهبردی چین در منطقه جنوب غرب آسیا خواهد بود و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بدین شرح هستند:

- برجسته شدن تنش زدایی و اعتمادسازی در تعاملات و برقراری وضعیت ثبات استراتژیک در منطقه
- موازنه قوای نسبتاً متقارن بین محورهای رقیب
- ایجاد وابستگی و پیوند متقابل بین کشورهای منطقه
- غلبه رویکرد بازی با حاصل جمع مثبت و مضاعف بین کشورها و کمرنگ شدن بازی با حاصل جمع جبری صفر
- بهبود تصویر و وجهه ایران مخصوصاً در عرصه منطقه ای
- افزایش همکاری های فناورانه و تقویت حکمرانی سایبری
- بهبود توان اقتصادی جهت بهره گیری در حوزه تحکیم امنیت ملی
- تقویت بازدارندگی نظامی - امنیتی ایران
- تقویت وزن ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک ایران
- بهبود شاخص های کلان اجتماعی مانند امید، سرمایه اجتماعی و روحیه ملی و غیره
- ایجاد وابستگی متقابل چند بعدی با چین و در نتیجه افزایش وزن اثرگذاری بر منطقه

سناریوی ۳: ازدهای محتاط

در این سناریو رویکرد رقابت چین با ایالات متحده برجسته تر خواهد شد، به نحوی که در ایالات متحده حضور دموکرات ها تثبیت شده و رویکرد همکاری در حوزه منافع مشترک (ثبات منطقه ای و آزادی جریان تجارت) همراه با رقابت دو طرفه بین آنها (کسب و حفظ نفوذ چند بعدی) تحکیم خواهد شد. به همین ترتیب گرچه ایالات متحده سعی خواهد کرد

متحدین منطقه ای خود را مخصوصاً در حوزه های مسائل امنیتی نگران کننده مانند استفاده از فناوری ارتباطات نسل ۵ و ۶ چین و پایگاه های دریایی با کاربرد دوگانه از چین دور سازد، با این حال به دلیل جذابیت همکاری با چین و همچنین برنامه های چشم انداز میان مدت منطقه، اغلب کشورها موازنه سازی و همکاری حداکثری با دو طرف را سرلوحه خود قرار خواهند داد. در این سناریو چین خواهد توانست تنش موجود بین کشورهای منطقه را از طریق میانجیگری کاهش دهد، با این حال تنش بین ایران و غرب کماکان وجود دارد و صرفاً از شدت آن کاسته شده است. چین در تنش زدایی از مناقشات بین دو محور ایران و اعراب نقش موثری ایفا خواهد کرد، در حالی که ایالات متحده در دستیابی به پیشرفت بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی موثر خواهد بود. چین همچنین با کاهش تنش مخصوصاً بین ایران و عربستان، راه حل های سیاسی و طرح های بازسازی برای کشورهایی مانند سوریه را نیز پیش خواهد برد.

پکن از یک سو، روابط با ایران را در قالب مراودات تجاری حفظ کرده، از سوی دیگر، در اقتصاد و حوزه های مختلف کشورهای همسو با ساختار در حوزه انرژی، سرمایه گذاری و کریدورهای اقتصادی همکاری را بسط و گسترش خواهد داد. گرچه ایران نیز در این وضعیت نسبت به سایر کشورهای منطقه نقشی حاشیه ای برای چین خواهد داشت، با این حال چین سرمایه گذاری در جمهوری اسلامی را نیز به دلیل ابهامات موجود بسیار محدود و یا در قالب ساخت و ساز با سرمایه خود ایران دنبال خواهد کرد. به همین دلیل چین به صورت آشکار صرفاً در حوزه هایی با ایران همکاری خواهد کرد که در مواقع بحرانی تنش، منافع آن دچار آسیب جدی نشود. منطق مذکور پکن را در پیشبرد مشارکت راهبردی مخصوصاً با محوریت واردات انرژی از ایران (البته با در نظر گرفتن همکاری در برخی حوزه های دیگر مانند مبارزه با تروریسم، دزدی دریایی، مبادلات علمی همکاری های محرمانه نظامی - امنیتی به صورت محدود) و مشارکت راهبردی جامع (با در نظر گرفتن همکاری های پیچیده سیاسی، اقتصادی، فناورانه و نظامی - امنیتی) با سایر کشورهای منطقه مصمم تر خواهد کرد. بنابراین چین جهت جلب نظر کشورهای منطقه مخصوصاً شورای همکاری خلیج فارس ارائه فناوری های مختلف (اقتصادی، فناورانه و نظامی) در قالب سرمایه گذاری، سرمایه گذاری مشترک و حتی فروش را در قبال کشورهای منطقه عمیق تر خواهد کرد.

این سناریو از نظر اثرگذاری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، سناریوی محتمل برای حضور راهبردی چین در منطقه جنوب غرب آسیا خواهد بود و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بدین شرح هستند:

- ایجاد وابستگی متقابل پیچیده بین چین و کشورهای همسایه با ساختار بین‌المللی
- به حاشیه رفتن اهمیت استراتژیک ایران و فرصت سوزی جهت بازیگری مطلوب در نظم منطقه ای آتی
- به تاخیر انداختن چالش‌های اقتصادی ج.ا.ا و عدم رفع اجل معلق نابسامانی اقتصادی
- به هم خوردن نسبی موازنه قدرت همه جانبه به نفع دول رقیب و دارای خصومت با ج.ا.ا و در نتیجه تقویت توان بازدارندگی آنها
- کاهش رقابت پذیری ج.ا.ا به عنوان الگوی جهان اسلام
- به حاشیه رفتن موافقت نامه مشارکت راهبردی جامع با چین
- همسویی فزاینده چین و کشورهای منطقه در حوزه‌های سیاسی و امنیتی

سناریوی ۴: اژدها در بند

در این سناریو رویکرد چین به ایالات متحده، همکاری خواهد بود، به نحوی که در ایالات متحده جمهوری خواهان بر کاخ سفید حاکم شده و رویکردی تهاجمی تر را در مقابل چین در پیش خواهند گرفت. به همین ترتیب ایالات متحده سعی خواهد کرد متحدین منطقه ای خود را با چماق (تهدید به تحریم در صورت همکاری در حوزه‌های حساس) و هویج (ارائه ابتکارهای جایگزین در مقابل چین و ارائه تعهدات امنیتی) از چین دورتر سازد. در این سناریو چین نخواهد توانست در تنش‌های موجود بین کشورهای منطقه نقش موثری ایفا کند، ابتکار عمل آن از دست چین خارج شده و واگرایی بین کشورهای منطقه تشدید خواهد شد. در

این وضعیت ایالات متحده به دلیل تنش با ایران نه تنها تحریم های اقتصادی بر ایران را افزایش داده، بلکه چین نیز سعی خواهد کرد متناسب با نقش قدرت مسئول از تحریم های بین المللی تبعیت حداکثری کند. مهم ترین نمود وضعیت مذکور بیش از حوزه های دیگر در بخش سرمایه گذاری های چین و همچنین واردات انرژی بین دو کشور نمایان خواهد شد. تحریم های ایالات متحده ادامه فعالیت های شرکت ملی نفت چین را در ایران با ابهامات و پیچیدگی هایی روبرو خواهد کرد. به همین ترتیب نیز ایران که تحت تحریم است از سرمایه گذاری های چین محروم خواهد ماند. همچنین این وضعیت، انگاره چینی ها مبنی بر چشم انداز مبهم درگیر بودن ایران در توافق هسته ای را تقویت خواهد کرد. در نتیجه چین چارچوب مشارکت راهبردی جامع با ایران را کنار خواهد گذاشت و صرفاً در حوزه واردات انرژی به صورت حداقلی از ایران بسنده خواهد کرد. در همین راستا چین بر پیشبرد حداکثری مشارکت های راهبردی با کشورهای عربی جنوب خلیج فارس، ترکیه، عراق و رژیم صهیونیستی متمرکز خواهد شد. چین در این وضعیت جهت تامین امنیت انرژی خود، در ساختارها، حوزه هایی زیربنایی و کریدورهای اقتصادی کشورهای مذکور سرمایه گذاری را بسط و گسترش داده و به همین نسبت نقش آنها مخصوصاً عراق و شورای همکاری خلیج فارس در تامین انرژی چین به صورت فزاینده افزایش خواهد یافت. بنابراین مجموعه پروژه های تجاری مبتنی بر سرمایه گذاری در پارک ها و بنادر صنعتی، اتصال زنجیره های تامین از خلیج فارس، دریای عرب و دریای سرخ و اتصال به دریای مدیترانه بدون حضور ایران توسعه خواهند یافت. به نسبت افزایش همکاری های اقتصادی، روند حضور نظامی و فروش تسلیحات چین به اعضای شورای همکاری خلیج فارس بویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز افزایش خواهد یافت و این امر نظم سعودی محور را تقویت کرده و چین را در همسویی های موردی با بلوک ضد ایرانی اعراب قرار خواهد داد.

این سناریو بدترین وضعیت برای حضور راهبردی چین در منطقه جنوب غرب آسیا خواهد بود و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بدین شرح هستند:

- حمایت دیپلماتیک و سیاسی چین از کشورهای رقیب و دشمن ایران در چشم انداز تنش های دو و چندجانبه

- بهبود و تقویت توان اقتصادی کشورهای منطقه در مقابل ایران
- ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی بین چین و کشورهای رقیب ایران و در نتیجه احتمال تعمیق همسویی سیاسی و امنیتی آنها
- افزایش ابعاد مختلف امنیت داخلی کشورهای منطقه در مقابل ایران
- القای حس خودتحقیری و ناامیدی در جامعه ایران
- اختلال در پروژه‌های عمرانی و زیرساختی به دلیل کمبود بودجه و عدم جذب سرمایه خارجی
- انباشتگی مسائل و بحران‌ها و حرکت به سمت امتناع برون رفتی از بحران
- موازنه سازی نامتقارن به نفع محور عبری - عربی در مقابل محور مقاومت
- بالا بردن پرستیژ، اعتبار و همچنین مشروعیت ملی - فراملی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس
- اعتباربخشی به رژیم صهیونیستی و به کمرنگ شدن اعتبار و وجهه الگوی مقاومت
- غیریت سازی ج.ا.ا و ایران هراسی منطقه ای و جهانی

نتیجه گیری و پیشنهادات

در این پژوهش سعی شد تاثیر چشم انداز حضور راهبردی چین در جنوب غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد. به همین ترتیب با مصاحبه و مطالعه اسنادی ۶۷ پیشران آینده حضور چین در منطقه و همچنین ۷ کلاون روند جهانی - منطقه ای احصا شد. در مرحله بعد با تهیه پرسشنامه این پیشران - روندها به قضاوت ۳۵ خبره

قرار گرفته و با ضریب لاوشه روایی ۵۵ پیشران - روند و با آلفای کرونباخ پایایی آنها سنجش و تایید شد. در ادامه با محاسبه میانگین هندسی ۵۵ پیشران - روند، ارزش آستانه اهمیت ۳.۵۷ و ارزش آستانه عدم قطعیت ۲.۶۹ به دست آمد و طبق روش اهمیت - عدم قطعیت مارتیلا و جیمز ۲۲ پیشران - روند توانستند بالاتر از ارزش آستانه ظاهر شوند. در گام بعد با آزمون فریدمن ۷ پیشران نهایی بالاتر از خط برش قرار گرفته و انتخاب شدند. در مرحله بعد حالت های کیفی هر کدام از پیشران ها استخراج و پرسشنامه ماتریس تحلیل متقاطع تهیه و برای ۱۰ نفر از کارشناسان ارسال شد. پس از دریافت پرسشنامه، نتایج آن وارد نرم افزار سناریو ویزارد شده و خروجی ماتریس تحلیل متقاطع متوازن در قالب ۴ سناریو با ناسازگاری صفر به دست آمد. در گام بعد سناریوها ترسیم، تدوین و پربار شده و هر سناریو به صورت جداگانه مورد ارزیابی قرار گرفت.

از میان ۴ سناریو، سناریوی اول مطلوب ترین، سناریوی دوم میانه و ممکن، سناریوی سوم محتمل و سناریوی چهارم بدترین سناریو برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. این سناریوها هر کدام اثرات خاص خود را بر امنیت ملی ج.ا.ا خواهند داشت. به همین دلیل سناریوی اول تحت عنوان خیزش اژدها به صورت کلی امنیت ملی جمهوری اسلامی را به دلایل نقش ترانزیتی، سرمایه گذاری و همچنین همکاری نظامی - امنیتی با چین بالا خواهد برد. سناریوی دوم تحت عنوان رویای اژدها، سیاست متوازن چین را جهت گسترش تعاملات متوازن با تمام کشورها به تصویر می کشد و می تواند به صورت مناسب امنیت ملی ج.ا.ا را تامین کند. با این حال محتمل ترین سناریوی پیش رو حاکی از آن است که چین در جمهوری اسلامی ایران سرمایه گذاری چشمگیر نخواهد کرد و نقش کربدوری ایران به عنوان مکمل با سایر کشورها به صورت حداقلی مورد توجه چین خواهد بود. همچنین در صورت تحقق سناریوی چهارم یعنی اژدهای در بند، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به شدت تحت تاثیر منفی قرار خواهد گرفت، به نحوی که نقش کشورهای منطقه در حوزه های سرمایه گذاری، واردات انرژی، همکاری های نظامی - امنیتی و ... با چین برجسته شده و سطح تعامل ج.ا.ا با چین به صادرات انرژی و واردات کالای حداقلی منحصر خواهد شد. تمرکز اصلی چین در افق ۱۰ ساله بر روی افزایش نفوذ در زیرساخت های اقتصادی و فناورانه، در حوزه نظامی - امنیتی؛ افزایش نفوذ و حفظ امنیت دارایی و منافع ملی خود، در حوزه اجتماعی حفظ تصویر و گفتمان مثبت از چین و در حوزه سیاسی ایجاد ثبات و بی

طرفی خواهد بود. به همین ترتیب این کشور با ایالات متحده چالش اساسی ایجاد نخواهد کرد. در نهایت برخی ملاحظات و پیشنهادات جهت کسب هرچه مطلوب تر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ارائه می شود:

- تجربه نشان داده است، از نظر راهبردی چین و قدرت های بزرگ مخصوصا ایالات متحده در حوزه ثبات استراتژیک بر روی منع اشاعه هسته ای، ثبات منطقه و آزادی جریان انرژی / تجارت اتفاق نظر دارند و در صورت جدی شدن تنش در رابطه با موضوع هسته ای ایران و احساس خطر اشاعه هسته ای، به احتمال زیاد چین طرف ایالات متحده خواهد ایستاد. به همین جهت لازم است جمهوری اسلامی تنش با غرب را مدیریت کند تا موجبات همگرایی قدرت های بزرگ را فراهم نسازد.
- تحریم های بین المللی مهم ترین مانع حضور چین مخصوصا در حوزه سرمایه گذاری و همکاری های اقتصادی و نظامی است که جمهوری اسلامی باید در قالب مدیریت تنش، چین را متقاعد به سرمایه گذاری یا حداقل سرمایه گذاری مشترک کند.
- چین مخصوصا همراه با روسیه نسبت به برخی از اصول ادعایی و اقدامات ایالات متحده در عرصه جهانی - منطقه ای نارضایتی دارند مانند اظهارات مداخله جویانه در امور داخلی، مداخله بشردوستانه در قالب اصل مسئولیت حمایت، تروریسم، یکجانبه گرایی، براندازی، تحریم های یکجانبه و ... که باید این موضوعات شناسایی و بر روی آنها در حوزه سیاست خارجی مانور داده شود.
- ایالات متحده به دلیل تمرکز بر سیاست چرخش به آسیا و همچنین رقابت با قدرت های بزرگ به سمت موازنه فراساحلی رفته و سعی دارد محور عبری - عربی را جهت سیاست راهبردی احاله مسئولیت بیش از پیش مستقل سازد، به همین ترتیب جمهوری اسلامی باید با ایجاد منافع مشترک با چین، از عجین شدن بیش از حد منافع آن مخصوصا با محور عربی در چشم انداز آتی جلوگیری کند.

- چین نسبت به ج.ا.ا. رویکرد بسیار محتاطی دارد که این امر در کنار وابستگی متقابل با سایر کشورها ناشی از قوی بودن جریان سیاسی غرب گرا در ایران و همچنین احساسات ضد چینی - روسی بوده که این وضعیت نیازمند مدیریت است.
- چین به دلیل دسترسی رژیم صهیونیستی به فناوری های پیشرفته غربی و تمایل شدید جهت کسب این فناوری ها محتمل است از ایران جاسوسی کرده و جهت کسب اعتماد، اطلاعات کسب شده را مخصوصا در رابطه با برنامه هسته ای ایران در اختیار غرب و آژانس انرژی اتمی قرار دهد.
- جمهوری اسلامی ایران نیازمند سیاستی متوازن در رابطه با جذب سرمایه های خارجی جهت ایجاد وابستگی متقابل با قدرت های بزرگ است؛ به نحوی که در آینده حساسیت و آسیب پذیری قدرت ها جهت مواجهه با جمهوری اسلامی را بالاتر ببرد.
- جمهوری اسلامی ایران همچنین باید نگاهی راهبردی به کریدورها و ملزومات ساختاری آنها داشته و سعی کند با جذب سرمایه گذاری این موضوع را در اولویت قرار دهد، در عین حال همچنین باید در این حوزه ابتکار عمل را در دست گرفته و بین رقابت چین و هند به صورت متوازن ایفای نقش کند. از این اهرم در عرصه داخلی می توان جهت ایجاد توازن بین مرکز برخوردار و پیرامون محروم بهره برداری کرد و ژئوپلیتیک راه را رقم زد. جمهوری اسلامی باید در این موضوع از نفوذ فرهنگی و امنیتی خود مخصوصا در کشورهای خاص منطقه ای در راستای کسب منافع اقتصادی (که این دو حوزه به صورت دیالکتیک مقوم یکدیگرند) استفاده حداکثری کند.
- باید کشورهای موفق مخصوصا همسایگان، از نظر جذب سرمایه گذاری خارجی (با ارائه تسهیلات عالی) مورد بررسی قرار گرفته، در حد توان و مطابق با امنیت ملی اصول اقتصادی تجارت آزاد مخصوصا جهت ایجاد جاذبه برای شرکت های بین المللی در سیاست گذاری ها مد نظر قرار گیرد.
- جمهوری اسلامی همچنین جهت افزایش بعد حکمرانی سایبری (مبارزه با اقدامات تروریستی، حفظ نظم اجتماعی و همچنین امنیت اطلاعات) باید به دلیل تجربه چین در

حوزه تروریسم و همچنین حکمرانی سایبری پیچیده و چند لایه با آن چارچوب همکاری تنظیم کند یا حداقل از تجربیات آن استفاده کند.

- جمهوری اسلامی ایران همچنین باید با بررسی و امکان‌سنجی، ابتکارهایی مانند سرمایه‌گذاری مشترک با چین را مطرح کرده و سوق دادن آن به سوی کشورهای خاص مخصوصاً عراق، سوریه، لبنان و یمن را در دستور کار قرار دهد.
- جمهوری اسلامی همچنین می‌تواند و باید در حوزه‌های فناورانه نظیر هوش مصنوعی، فیزیک کوانتوم، هوا فضا، موقعیت‌یابی مکانی، اینترنت اشیا و ... با چین همکاری کرده و نوآوری را سرلوحه سیاست‌گذاری‌ها قرار دهد. زیرا این کشور در گزارش‌های اخیر از ۴۴ حوزه فناوری در ۳۷ حوزه سرآمد و رتبه اول را دارد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

سپاسگزاری

نویسندگان از پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس؛ شهید سپهبد پاسدار حاج قاسم سلیمانی جهت فراهم کردن شرایط انجام این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را دارند.

منابع

موسوی نیا سیدرضا (۱۳۹۸). آینده پژوهی (الگوی امتداد حال) و کاربرست نظریه های روابط بین الملل، رهیافت های سیاسی و بین المللی، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۷۷-۱۵۶.

حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱). اصول و روش های آینده پژوهی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

References

Bell, Wendell (1996a). *The Foundations of Futures Studies; Human Science for a New Era: History Purposes, and Knowledge*. New Brunswick, New Jersey: Transaction Publishers.

Bell, Wendell (1996b). "What do we mean by futures studies?" In: *New Thinking for a New Millennium*, Slaughter, Richard A, London: Routledge.

Bell, Wendell (1997). "History, purposes, and knowledge" In: *Foundations of futures studies*, Vol. 1. New Brunswick and London: Transaction Publishers.

Bell, Wendell (2003). *Foundations of Futures Studies*. London: Routledge.

Bipe Conseil: Copenhagen Institute for Future Studies, and Institute for the Future (1992). *Wild Cards: A Multinational Perspective*, *Institute for the Future*.

Brier, David J. (2005). "Making the Future: A Review of Time Horizons", *Futures*, No. 37, pp. 833-848.

Cornish, Edward (1969). "The professional futurist" In: *Jungk R, Galtung J*, editors. *Mankind 2000*. Oslo: Universit-etsforlaget.

Glenn, Jerome C. & Gordon, Theodore J. (2009). *Futures Research Methodology*, UN Millennium Project.

Godet, Michel (2006). *Creating futures: scenario planning as a strategic management tool*. London: Economica.

Greeuw, Sandra C. H. et al. (2000). *Cloudy Crystal Balls: An assessment of recent European and global Scenario studies and Models*, Copenhagen: European Environment Agency (Environmental issues series 17).

Inayatullah, Sohail (2000). "The Views of Futurists." The Knowledge Base of Futures Studies 4. Melbourne: Futures Study Centre.

Kahn, Herman & Anthony J. Wiener (1967). *The Year 2000 – A Framework for Speculation on the Next Thirty-Three Years*, New York: Macmillan.

Kosow, Hannah & Gasner, Robert (2008). Methods of Future and Scenario Analysis: Overview, assessment, and selection criteria. *Studies/Deutsches Institut für Entwicklungspolitik*, Germany, Bonn.

Kuosa, Tuomo (2011). Evolution of futures studies. *Futures*, Vol. 43, pp. 327-336.

Lasswell, Harold D. (1967). *Projecting the Future*, Mimeo.

Lawshe, C.H. (1975). A Quantitative Approach to Content Validity, *Personnel Psychology*, 28: 563-575.

List, Dennis (2005). *Scenario Network Mapping: The Development of a Methodology for Social Inquiry. Doctoral dissertation: Division of Business and Enterprise*, University of South Australia.

Martilla, John A. & James, John C. (1977). Importance-Performance Analysis. *Journal of Marketing*, Vol. 41, No. 1, pp. 77-79.

Masini, Elenora (1983). *Visions of Desirable Societies*. Oxford: Pergamon Press.

Masini, Elenora (1993). *Why Futures Studies?* London: Grey Seal.

Melnikovas, Aleksandras (2018). "Towards an Explicit Research Methodology: Adapting Research Onion Model for Futures Studies", *Journal of Futures Studies*, 23(2), pp. 29-44.

Mingers, John (2006). *Realising Systems Thinking: Knowledge and Action in Management Science*, New York: Springer.

Molis, Arūnas (2008). *Bendrosios ES saugumo ir gynybos politikos plėtros scenarijų tyrimas*. Doctoral dissertation. Vilnius: Vilnius university.

Paavola, Sami; Hakkarainen, Kai & Sintonen, Matti (2006). Abduction with dialogical and triological means. *Logic Journal of IGPL*, 14(2), pp. 137-150.

Puglisi, Marika (2001). The study of the futures: an overview of futures studies methodologies. Interdependency between agriculture and urbanization: conflicts on sustainable use of soil water, Bari: CIHEAM.

Options Mediterraneennes, *Serie A. Seminaires Mediterraneens*, Vol. 44, pp. 439-463.

Saleh, Mohamed; Agami, Nedaa; Omran, Ahmed & El-Shishiny, Hisham (2008). *A survey on futures studies methods*, Cairo: Faculty of Computers and Information-Cairo University-INFOS.

Sardar, Ziauddin (1999). *Rescuing All of Our Futures: The Futures of Futures Studies*. London: Adamantine Press.

Saul, Peter (2001). "This Way to the Future." *Journal of Futures Studies*, Vol. 6, No. 1, Pp. 107-120.

Saunders, M., Lewis, P., & Thornhill, A. (2019). *Research Methods for Business Students*. England: Pearson Education Limited.

Schwartz, Peter (1998). *The Art of The Long View: Planning for The Future in an Uncertain World*, New Jersey: John Wiley & Sons.

Steinmüller, Karlheinz (1997). *Grundlagen und Methoden der Zukunftsforschung: Szenarien, Delphi, Technikvorausschau*, Gelsenkirchen: Sekretariat für Zukunftsforschung (Werkstatt Bericht 21).

Steinmuller, Karlheinz (2004). "The Future as a Wild Card. A short introduction to a new concept." *Spatial Development Trends: Nordic Countries in a European Context, Nordregio*, No. 6.

UNEP (United Nations Environment Programme) (2002). *GEO 3 Global environment outlook 3. Past: Present and Future Perspectives, Chapter 4, 2002-2032*, Nairobi, Kenya.

Mousavinia, S. R. (2019). Future Studies and Application of International Relation Theories. *Political and International Approaches*, 11(1), 156-177. [In Persian]

Hajiani, Ibrahim (1391). *Principles and methods of future research*, Tehran: Imam Sadegh University Press. [In Persian]

